



فعالیت در رشته خود بپردازند.

بیشترین مشکل در علل شکل‌گیری این چرخه معیوب اقتصادی چیست؟

این مسئله نیاز به یک بحث کارشناسی و عمیق دارد که زمان آن از مقال این مصاحبه خارج است. این وضعیت برای خروج از این حالت نیاز به بررسی بسیار عمیق و با پیگیری پویا دارد.

آیا پس لرزه‌های اتفاقات اخیر که در جامعه رخ داد و بیش از پیش هنرمندان سینما، تئاتر و... را تحت الشعاع قرار داد، در هنرهای تجسمی، خصوصا در برگزاری پانزدهمین دوره از جشنواره هنرهای تجسمی فجر نیز احساس شد؟

بله، مطمئنا. چرا که هنر و هنرمند دو قطب تعاملی هستند که برگرفته از جامعه هنر خود را به تصویر می‌کشند. پس حتما تاثیر این اتفاقات هم در آثار و هم در روحیه هنرمندان قابل لمس بود البته باید اذعان داشت که این حوادث ممکن است راه خلق اثر را برای برخی تند، برای برخی کند و یا مسدود کند و در نتیجه برای بعضی از نظر حرفه ای پیامدهایی مثبت و یا منفی را به دنبال داشته باشد.

صحبت پایانی:

امیدوارم در این شرایط برای داشتن یک جامعه آرمانی و فرهنگی غنی که مستلزم پرورش هنرمند است همه دست به دست هم بدهند. هنر برای رویش نیاز به یک جامعه نقد و نقیصه دارد، به این منظور باید همه مردم زبان هنری را بشناسند در این میان اصحاب رسانه می‌توانند بیشتر کمک‌رسانی را در این زمینه داشته باشند و با اطلاع رسانی دقیق و شبکه‌ای در همه زمینه‌های هنری میل به شناخت و توجه به هنر را در مردم بیدار کنند. و با ایجاد بحث‌های علمی نقد و نقادی علمی و هنری پویایی جامعه را به سمت مسیری صحیح پیش ببرند که مطمئنا این موارد بسیار در تولید اثر هنرمند و نوع زندگی هنرمندان تاثیر مستقیم خواهد داشت.

و خوشبختانه در این مورد هم با تنوعی از سبک‌پردازی‌های مدرن و کلاسیک روبرو بودیم.

میزان پایبندی هنرهای تجسمی را در احیای ریشه‌های مولفه‌های ایرانی در خلق آثار چگونه دیده‌اید؟

با توجه به اینکه آثار عمدتا با دغدغه‌های مشترک ملی و میهنی خلق می‌شود، طبیعتا آثار حال و هوای ایرانی‌های دارد، مثلا در بخش عکاسی که کاملا مستند کار شده است و با کاریکاتور که برگرفته از حال و هوای جامعه با نگاهی طنزانه است و همین‌طور سایر رشته‌های دیگر این حوزه که با توجه به کاربردی بودنشان در تقابل با جامعه ارائه شده بود.

فارغ از جشنواره چشم‌انداز شغلی و حرفه‌ای هنرمندان این عرصه را در ایران در این مقطع زمانی چگونه برآورد کرده‌اید؟

یکی از مشکلات بزرگ در هنر معیوب بودن چرخه اقتصادی آن است، متاسفانه این معیوبی هنر در چرخه اقتصادی بیش از بقیه گریبانگیر هنرمندان می‌شود، این بحث هم وابسته به امروز و دیروز نیست، مدت‌هاست که متأسفانه شاهد این روند ناامن در هنر ایران هستیم. بنابراین متولیان فرهنگ و هنر باید یک‌بار برای همیشه یک فکر جدی و تصمیمی قاطع برای پایان دادن و رفع این مسئله بگیرند. و این در صورتی است که تصمیم‌گیرندگان در این حوزه دغدغه معیشت این اقشار را به خوبی درک کنند با توجه به اینکه در ایران استعداد‌های بالقوه و پتانسیل‌های بسیار قابل رشد و ارتقای در میان هنرمندان احساس می‌شود چنانچه نواقص این چرخه معیوب اقتصادی رفع شود، هنرهای تجسمی قابلیت این را دارد که در عرصه‌های ملی و بین‌المللی تولید ثروت کند در مقابل وقتی هنرمندان دائما در یک تنگنای دائمی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی و فرهنگی قرار بگیرند، قدرت خلاقانه‌شان در ارائه اثر هنری کاهش خواهد یافت. امیدوارم این مسئله از مباحث اصلی متولیان فرهنگی و هنری ما باشد تا هنرمندان با دغدغه‌های اقتصادی و ... کمتری به

بخش ویژه دیگر هم به نام قله‌ها بود این بخش به قله‌های افتخار ایران و ایرانی می‌پردازد به این معنی که در این بخش هنرمندی که برای خود قله‌ای را فرض کرده و می‌توانست در آن رابطه اثری را خلق کند، می‌توانست اثر خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال کند، دورشته‌نمایشگاه گردانی در شاخه گرافیک و کاریکاتور هم در این دوره از جشنواره هم اضافه شده بود علاوه بر این‌ها بخش ویژه دیگری هم بود با نام تجسم هنر بود به این ترتیب که دنباله جشنواره هنرهای تجسمی فجر در استان‌ها بود. در این بخش مادر ۳۲ استان نمایشگاه‌های را با آثاری از هنرمندان مقیم استان‌ها در بخش غیر رقابتی به معرض نمایش گذاشته بودیم.

در کلیت آثار ارسالی که از سوی هنرمندان به دبیرخانه ارسال شده بودند، آیا می‌توانستید احساس کنید معنا یا مفهومی خاص به صورت نمادین تر در بیشتر آثار حضور پررنگ‌تری داشته است؟

خیر، نگاه هنرمندان بسیار متنوع بوده است، در این جشنواره بنا بر اینکه هنرمندان می‌توانند با موضوع آزاد در این عرصه خلق اثر کنند، هر کدام با توجه به حال و هوای شخصی و جغرافیایی زیسته خود در شکل آفرینی اثر همت گماشتند و به طور کلی از همه موضوعاتی که پیرامون هنرمندان است اثر ارسالی داشته‌ایم که هر کدام از آثار با موضوعی کاملا برآمده از ذهن هنرمند خلق شده بود.

بسیار عالی این امر نشانگر این است که خوشبختانه هنرمندان این رشته در بازنمایی صادقانه جهان زیسته خود موفق عمل کرده‌اند و مانند سایر رشته‌های هنری کمتر درگیر آثار سفارشی و یا تقلیدی هستند، با این حساب در سبک پردازی چطور؟ آیا هنرمندان این حوزه در سبک پردازی خلق اثر رویکردی متمایل‌گرا به یک سبک هنری خاص داشته‌اند؟
عمدتا میل به تمام سبک‌های هنری در آثار دیده می‌شود، که با توجه به مفهوم ارائه شده سبک هنری مشخصی را برای خود برگزیده بودند